

شکندنگی دولت‌ها در آسیای مرکزی و الزامات سیاست خارجی

جمهوری اسلامی ایران

چکیده

پیگیری اهداف یک دولت در حوزه فراملی، از طریق سیاست خارجی برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری می‌گردد که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان تأمین امنیت دانست. یکی از مهم‌ترین ابزارهای دست‌یابی به اهداف طراحی شده برای سیاست خارجی، شناخت موقعیت و وضعیتی است که سیاست خارجی معطوف بدان طراحی شده است. پژوهش حاضر درصدد است ابتدا با استفاده از روش منطق فازی، شکندنگی دولت‌های آسیای مرکزی را به‌عنوان محیط بلافصل جمهوری اسلامی ایران بررسی نموده و مسیرهایی که در شکندنگی دولت‌های آسیای مرکزی وجود دارد را به‌عنوان مبنای شناخت وضعیت قرار داده و با تحلیل آن، ضمن شناخت تهدیدات امنیتی موجود در آسیای مرکزی، در گام دوم، سیاست خارجی متناسب با وضعیت موجود را فرا رو نهد. بدین منظور، سؤالات اصلی تحقیق عبارت‌اند از: وضعیت شکندنگی دولت‌های آسیای مرکزی چگونه است؟ چندمسیر شکندنگی در آسیای مرکزی وجود دارد؟ باتوجه‌به وضعیت آسیای مرکزی، الگوی مناسب سیاست خارجی ایران چیست؟ نتیجه بررسی وضعیت آسیای مرکزی در شکندنگی دولت‌ها حاکی از آن است که تمامی ۵ دولت موجود، دارای هشدار شکندنگی و ایجاد معضلات امنیتی هستند که دو متغیر مهم در این وضعیت عبارت‌اند از نخبگان مخالف دولت و گروه‌های انتقام‌جو و متخاصم. با استناد به نظریه امنیت منطقه‌ای، به نظر می‌آید که پیشگیری چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی باتوجه‌به وضعیت هر یک از مسیرهای شناسایی شده، علاوه بر تأمین امنیت منطقه‌ای، منجر به ایفای نقش محوری برای جمهوری اسلامی ایران منتهی خواهد شد.

واژگان کلیدی: آسیای مرکزی، سیاست خارجی ایران، منطق فازی، چندجانبه‌گرایی، امنیت منطقه‌ای.

۱. مقدمه و بیان مسئله

جهان سیاسی یا نقشه سیاسی جهان مرکب از دولت‌ها و یا واحدهای سیاسی است که از آن‌ها به کشور تعبیر می‌شود. دولت‌ها مهم‌ترین بازیگران عرصه سیاست جهان و روابط بین‌الملل هستند. آن‌ها اصالت استقلال و حاکمیت دارند و براین اساس و متناسب با موقعیت و منزلت خود در نظام بین‌الملل بر شکل‌گیری پدیده‌های بین‌المللی تأثیر می‌گذارند (Sarmast and et al, 2019, p.314). این واحدهای سیاسی برای حفظ موجودیت و همچنین دستیابی به اهداف خود دارای ارتباط با جهان بیرونی و سایر دولت‌ها هستند که این موضوع به شکل‌گیری مفهوم سیاست خارجی منتهی گردیده که عبارت است از تلاش دولت‌ها جهت به‌کارگیری ابزارهای در اختیار خود و برای بیشینه‌سازی منافع، حفظ و گسترش امنیت ملی، درک و رفع تهدید علیه خود (Khosravi Bab Anari, 2017, p.36).

تعاریف نسبتاً زیادی از سیاست خارجی ارائه شده است. کریستوفر هیل، سیاست خارجی را مجموعه روابط خارجی رسمی یک بازیگر مستقل (معمولاً دولت) در روابط بین‌الملل تعریف می‌کند که این روابط مبتنی بر کش هدفمند و در راستای توسعه منافع است. از نظر کوهن و هریس سیاست خارجی مجموعه‌ای از اهداف، دستورالعمل‌ها یا نیاتی است که توسط مقامات رسمی با نهادهای حاکمیتی، در رابطه با کنشگران یا شرایط محیطی خارج از حاکمیت دولت-ملت طراحی شده و هدف آن، تأثیرگذاری بر هدف، به شیوه مورد نظر سیاست‌گذاران است (Shapoori & et al, 2017, p.10). به‌عبارت‌دیگر، هر دولتی داده‌های سیاست خارجی خود را در جهت تنظیم می‌کند که در نهایت، خواست‌ها و نیازهای امنیتی، راهبردی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی یا نظامی‌اش در کوتاه‌مدت یا بلندمدت تأمین شود

(Ghavam,2011,p.123). در تعریف دیگر آورده شده است که سیاست خارجی عبارت است از تصمیم‌ها، کنش‌ها و اقدامات یک کشور در قبال سایر بازیگران و محیط بین‌المللی (Grigsby,2009,p.67) که بر پایه‌ی یک طرح و برنامه و راهبرد از پیش تعیین شده به‌وسیله‌ی تصمیم‌گیرندگان برای تأمین اهداف مشخص و معین صورت می‌گیرد (Dehghani Firoozabadi,2015,p.21). تعاریف مفهومی سیاست خارجی، منوط بودن موفقیت یک واحد سیاسی کلان (کشور) به حضور موفق در عرصه خارجی است که لازمه آن نیز شناخت محیط پیرامونی و بین‌المللی‌ای است که یک کشور در آن حضور داشته و ایفا نقش می‌نماید.

یکی از محیط‌های پیرامونی جمهوری اسلامی ایران که به لحاظ اهمیت ژئوپلیتیکی یک محیط بین‌المللی ویژه نیز محسوب می‌گردد، آسیای مرکزی است (Pishgahi Fard & Alizadeh,2018,p.46; Sarmast & et al,2019.p312)؛ منطقه‌ای که محیط بلافصل ایران محسوب شده و به‌همین دلیل پیوستگی تام امنیتی با آن دارد، چراکه به‌واسطه مرزهای گسترده زمینی با کشورهای این منطقه، تأثیرپذیری بالایی وجود دارد که این موضوع زمینه‌ساز توجه ویژه در سیاست خارجی ایران به آسیای مرکزی است.

«فرارود»، «ورارود»، «میان‌رود»، «ماوراءالنهر»، «آسیای وسطی»، «ترکستان»، «آسیای میانه» و «آسیای مرکزی»، نام‌هایی هستند که از گذشته تاکنون بر محدوده‌ای نهاده شده است که در حال حاضر کشورهای ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان در آن قرار دارد. در میان این نام‌ها، اصطلاح آسیای مرکزی، بیش از سایر واژه‌ها کاربرد عام یافته و مورد استفاده قرار گرفته است. عموم نویسندگان، آسیای مرکزی را برای اطلاق به پنج جمهوری استقلال یافته از شوروی سابق در سال ۱۹۹۱، ارجح می‌دانند (Asadi, 2018,p.60)؛ اما متفکران روسی همچنان به استفاده از واژه آسیای میانه مبادرت می‌ورزند (Cowan,2006,p.360). هر دو واژه آسیای میانه و آسیای مرکزی در دوره حاکمیت شوروی سابق مورد استفاده قرار گرفته است اما «واژه آسیای مرکزی بیشتر بر ابعاد سیاسی و اجرایی این منطقه و آسیای میانه بر ابعاد جغرافیایی آن تأکید داشته است» (Merzlyakova,2012,p.379). چالش تعریف منطقه موردنظر که تقریباً از قرن ۱۸ آغاز شده بود، پس از فروپاشی شوروی که رهبران چهار کشور ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان و قرقیزستان در تاشکند گردهم جمع شده و خودشان را به‌اضافه قزاقستان، منطقه آسیای مرکزی خواندند، خاتمه یافت. بر همین مبنا، در این نوشتار منظور از آسیای مرکزی ناحیه حدفاصل دریای خزر تا ارتفاعات اطراف فلات پامیر است که شامل پنج کشور ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان می‌شود که دارای اتحادیه‌های منطقه‌ای گوناگونی از جمله سازمان کشورهای مستقل هم‌سود هستند (Kolaei & Sedaghat,2012,p.95).

آسیای مرکزی یکی از مهم‌ترین مناطق جهان شناخته می‌شود که میراث دار جاده ابریشم و پل ارتباطی میان اروپا و آسیای شرقی و شمال و جنوب قاره آسیا محسوب می‌شود. این منطقه به‌دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش نقش مهمی در سیاست‌های جهانی دارد. واقع شدن در قلب اوراسیا به‌عنوان یکی از شاهراه‌های ترانزیت در جهان موجب شده است که بسیاری از کشورهای مهم منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، روسیه، ترکیه، هند، چین و ایالات متحده آمریکا برای تسلط و نفوذ در این مناطق به رقابت با یکدیگر بپردازند (Ahmadi, 2018,p.134; JanParvar & Salehabadi,2018,p.168; et al,2018). از نظر تاریخی این منطقه به‌دلیل برخورداری از موقعیت ژئواستراتژیک، همواره مورد توجه قدرت‌ها بوده است. جایگاه میانی این منطقه مابین شرق و غرب باعث اهمیت نظامی، اقتصادی، ارتباطی، تجاری و حتی فرهنگی آن در ادوار گوناگون شده است (Simbar & Rezapour,2018,p.41).

آسیای مرکزی به‌واسطه تاریخ طولانی و تنوع ساختاری خود همواره مستعد شکل‌گیری گروه‌بندی‌های متعارض حول شکاف‌های قومی و مذهبی‌ای بوده که با وضعیت سیاسی متراکم شده و گسست‌های سیاسی و امنیتی پر دامنه و خطرناکی را ایجاد نموده که مهم‌ترین آن‌ها افراط‌گرایی اسلامی به‌ویژه پس از شکل‌گیری داعش است (Hejazi & Bahman,2019,p.216)؛ علی‌رغم استفاده از یک نام واحد، این پنج کشور در ابعاد گوناگون جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی نظامی، فضایی و... با یکدیگر تفاوت‌های زیادی دارند. تعدد چنین شکاف‌ها و تعارضاتی در این منطقه سبب ضعف ساختاری دولت در آن گردیده است؛ به‌گونه‌ای که وضعیت شکنندگی از ویژگی‌های اصلی دولت در این منطقه در سالیان گذشته محسوب می‌شود. ویژگی اساسی دولت‌های شکننده از یک سو ناتوانی ساختاری آن در مقابل یک جامعه دارای شکاف‌های متعدد، دارای پیوندها و تعلقات درونی و شبکه‌های درهم‌تنیده محلی‌گرایانه و

از سوی دیگر نفوذپذیری بالای آن در برابر مداخله است. فقدان مشروعیت و عمق اجتماعی دولت و ضعف هویت ملی در مقابل تعلقات فراملی و فراملی باعث شکنندگی بالای ساخت دولت-ملت در چنین جوامعی می‌شود.

ایران به‌عنوان کشوری در همسایگی بی‌واسطه منطقه آسیای مرکزی، ظرفیت تأثیر پذیرفتن از وضعیت امنیتی در این منطقه را داراست (Simbar & Rezapour, 2018, p.42; Azizi, 2018, p.158). استمرار بحران‌های موجود در آسیای مرکزی به‌عنوان محیط بلافصل ایران، به لحاظ نظری این موضوع را متبادر می‌سازد که در صورت وقوع مسئله امنیتی در این منطقه، با اثر دومینو مواجه خواهیم بود. دومینو نوعی بازی است که در آن، زنجیره‌ای از قطعات پشت سر هم چیده می‌شوند و با ضربه‌ای به اولین قطعه و به‌واسطه افتادن آن، به ترتیب سایر قطعات می‌افتند. دومینو در واقع سقوط رشته‌ای از قطعات است که در وضعیتی آرام، ناپایدار و متقارن قرار گرفته‌اند و به عکس‌العمل آن‌ها و به آشفتگی موجود بستگی دارد. اثر دومینو به این وضعیت در چند کشور که دارای مرزهای مشترک، گروه‌های قومی همسان و آسیب‌های اقتصادی مشابه هستند، ممکن است سقوط دولت در یکی از آن‌ها به همه منطقه سرایت کند (Moalloumi & Zargar, 2019, p.29). دوج و مولر نظریه دومینو را چنین تعریف کردند: «نظریه دومینو معتقد است که بی‌ثباتی با هر علتی در یک کشور می‌تواند منجر به فروپاشی نظم در کشور همسایه شود؛ به بیان دیگر، شروع زنجیره‌ای از خشونت و بی‌ثباتی سیاسی در یک کشور، دارای این توانایی است که به شکل اپیدمی بر کشورهای همسایه تأثیر بگذارد» (De Blij & Muller, 1994: 569)؛ بنابراین، نظریه دومینو بیان می‌کند که وقوع خشونت، جنگ داخلی، بحران اقتصادی و ... در یک کشور، حالت اپیدمی یا شیوع یافتگی دارد و خطر فعال شدن گسل‌های قومیتی، خشونت مذهبی، نابسامانی اقتصادی و ... را در کشورهای منطقه افزایش می‌دهد و به تهدیدی برای امنیت ملی یک کشور مبدل می‌گردد؛ بحران اقتصادی اتحادیه اروپا، بهار عربی و همچنین بروز و ظهور داعش را می‌توان مثل‌هایی از اثر دومینو دانست.

باتوجه به آنچه گفته آمد، شکنندگی کشورهای آسیای مرکزی یکی از مسائل مهمی است که می‌بایست مورد توجه نظام سیاسی ایران قرار گرفته و سیاست‌ خارجی متناسب با آن طراحی گردد. به همین دلیل، در گفتار حاضر، ابتدا به بررسی وضعیت شکنندگی ۵ دولت در آسیای مرکزی بر اساس منطق فازی پرداخته خواهد شد؛ پس از آن به بررسی نظری در خصوص وضعیت به‌دست‌آمده در آسیای مرکزی پرداخته شده و در انتها نیز الگوی پیشنهادی برای سیاست‌ خارجی ایران در آسیای مرکزی به‌عنوان نتیجه‌گیری تشریح خواهد گردید؛ بنابراین، سؤال چندبخشی تحقیق حاضر عبارت است از: وضعیت شکنندگی دولت‌های آسیای مرکزی چگونه است؟ چندمسیر شکنندگی در آسیای مرکزی وجود دارد؟ باتوجه به وضعیت آسیای مرکزی، الگوی مناسب سیاست‌ خارجی ایران چیست؟. باتوجه به ماهیت اکتشافی تحقیق، از ارائه فرضیه خودداری شده است.

۲. مبانی نظری

مبانی نظری پژوهش، از دو بخش تشکیل شده است: از یک سو مفهوم دولت شکننده مورد استفاده قرار گرفته است که ایده اصلی پژوهش نیز محسوب می‌گردد. پس از تشریح مفهوم دولت شکننده و بررسی وضعیت کشورهای آسیای مرکزی در شکنندگی، بخش اصلی نظری که عبارت است از امنیت منطقه‌ای جهت تحلیل وضعیت موجود مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

دولت شکننده

دولت سازمانی طبیعی و غیرقابل تغییر نیست؛ از سوی انسان‌ها برای تأمین هدفی به وجود آمده و در صورت ناتوانی در انجام کارویژه‌های خود، به‌وسیله سازمانی دیگر جایگزین شود؛ بنابراین، شکننده شدن دولت به معنای این است که نهاد رسمی دولت جایگاه و مفید بودن خود را به‌عنوان مرکز تخصیص منابع و ثروت و اعمال قدرت مشروع از دست بدهند. دولت‌های ضعیف دولت‌هایی هستند که قادر به تأمین امنیت برای مردم نیستند، کنترلی بر منابع ندارند و مهم‌تر از همه، مردم حکومت آن‌ها را برای جامعه مفید و مناسب نمی‌دانند (Yazdanfam, 2009, p.11). به دیگر سخن، دولت ضعیف و شکننده از ظرفیت لازم برای کنترل و نفوذ در جامعه، تنظیم روابط اجتماعی، استخراج منابع انسانی، مادی و نمادین و تخصیص مقتدرانه منابع برخوردار نیست و ناتوان از برقراری نظم و اعمال اقتدار در جامعه است. در چنین وضعیتی، حاکمیت دولت کاملاً از بین نرفته است، اما دولت با بحران اقتدار یا اقتدار روبه‌تنزل و خطر اضمحلال روبرو است (Collier, 2003, p.73).

در این نوشتار به منظور بررسی وضعیت شکنندگی در آسیای مرکزی از شاخص‌های مرکز بنیاد صلح^۲ استفاده می‌شود که بر اساس سه شاخص اصلی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی طراحی گردیده است که هر یک از شاخص‌ها از ترکیب چندین متغیر ساخته شده‌اند. متغیرهای مورد بررسی عبارت‌اند از: فشارهای جمعیتی، آوارگان خارجی، نیروهای نظامی خودگردان، مهاجرت و فرار مغزها، توسعه نامتوازن، افول اقتصادی، مشروعیت دولت، خدمات عمومی، کاربرد دلخواهانه از قانون، جناح‌بندی نخبگان داخلی، مداخله خارجی و خشونت گروه‌های انتقام‌جو بررسی می‌شود.

شاخص‌های شکنندگی دولت

۳ گروه از عوامل برای تعیین شکنندگی دولت‌ها انتخاب گردیده‌اند:

الف) اقتصادی: توسعه اقتصادی نامتوازن، فقر و افول اقتصادی معیارهای سنجش شاخص اقتصادی دولت‌های شکننده‌اند که از جمله مصادیق آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: نسبت درآمد طبقات بالا و پایین جامعه، شمار جمعیت حاشیه‌نشین، کسری اقتصاد، بدهی حکومت، بیکاری، قدرت خرید، تورم، سرانه تولید ناخالص داخلی و رشد تولید ناخالص داخلی (FFP, 2019, p.7). شاخص توسعه نامتوازن نیز نابرابری در اقتصاد را بدون در نظر گرفتن عملکرد واقعی اقتصاد بررسی می‌کند. برای مثال این بررسی شاخص به نابرابری ساختاری مبتنی بر گروه (مانند گروه نژادی، قومی، مذهبی یا هویتی) یا بر مبنای تحصیلات، وضعیت اقتصادی یا منطقه (مانند تقسیم شهری و روستایی) می‌پردازد. علاوه بر این، هر یک از این معیارها به عواقب این مسائل مانند مشکلات شدید اجتماعی که به واسطه اعمال برنامه‌هایی مانند ریاضت اقتصادی به وجود می‌آید، افزایش نابرابری میان گروه‌ها، گسترش تجارت غیرقانونی مانند قاچاق مواد مخدر و قاچاق انسان، پول شویی، اختلاس، افزایش سطح معاملات غیرقانونی نیز اشاره می‌کنند.

ب) اجتماعی: فشارهای جمعیتی، آوارگان و بی‌خانمانی شدید، خشونت گروه‌های انتقام‌جو، مهاجرت انسانی و فرار مغزها، از جمله شاخص‌های اجتماعی مورد بررسی در دولت‌های شکننده محسوب می‌شود (FFP, 2019, p.9). ناکارآمدی دولت در فراهم کردن خدمات متناسب با رشد جمعیت، به سرخوردگی تعداد زیادی از زنان و مردان جوان در یافتن شغل، مسکن و ازدواج منجر می‌شود. همچنین عملکرد و توانایی دولت در اعمال اقتدار، عرضه خدمات عمومی به شهروندان، کاهش فشارها و کاستن از خطر بلایای طبیعی و حوادث اجتماعی ضعیف است. بی‌خانمان شدن جمعیت، فشارهای ناشی از جابجایی اجباری جوامع بزرگ به علل اجتماعی، سیاسی، زیست‌محیطی و یا سایر عوامل را اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص، پناهندگان را بر اساس کشور پناهنده سنجش می‌کند و این امر نشان می‌دهد که جریان‌های جمعیت می‌توانند فشار بیشتری بر ارائه خدمات عمومی ایجاد کنند و اگر دولت پذیرای پناهندگان، ظرفیت جذب و منابع کافی در اختیار نداشته باشد، با تهدیدهای امنیتی جدی روبرو می‌شود (FFP, 2019, p.10).

پ) سیاسی: مشروعیت دولت، حقوق بشر، نیروهای نظامی خودگردان، جناح‌بندی نخبگان، حاکمیت قانون و مداخله خارجی از معیارهای سنجش شاخص سیاسی و امنیتی محسوب می‌شوند. ویژگی اصلی شکنندگی را مشروعیت ضعیف دولت می‌دانند. دولت‌هایی که در برآوردن نیازهای اساسی و ایجاد تعادل میان انتظارات اجتماعی و ظرفیت دولت شکست می‌خورند و به‌طور معمول در ایجاد روابط دوسویه میان دولت و جامعه و ساختن قرارداد اجتماعی منسجم ضعیف عمل می‌کنند. این شاخص به‌ویژه بر مؤلفه‌هایی مانند شفافیت و پاسخگویی دولت، کارایی نخبگان حاکم، کیفیت نمایندگی سیاسی، کنترل فساد، کیفیت مقررات حکومتی و غیره تأکید دارد (FFP, 2019, p.12).

۳. روش پژوهش

باتوجه به اینکه تعداد ۵ کشور در آسیای مرکزی مدنظر بوده و مورد بررسی قرار گرفته‌اند، برای بررسی مسیرهای شکنندگی آن‌ها از تحلیل منطق فازی استفاده شده است. بر اساس روش فازی برای هر یک از مفاهیم موجود در دستگاه نظری به‌مثابه یک مجموعه، تابع عضویت فازی تعریف شده و در مرحله دآوری بر مبنای میزان عضویت فازی، تحلیل علی فازی انجام گرفته و برای هر یک از مفاهیم، تابع عضویت تعریف شده است. تابع عضویت فازی عنصر کلیدی در روش فازی است. تابع عضویت فازی هم برحسب مقولات کیفی و هم برحسب تفاوت‌های کمی در میزان عضویت در بازه (۰ تا ۱) عملیاتی می‌شود (Kolaei & Akbari, 2017, p.161); ارزش یک برای مثال

بیانگر عضویت کامل و ارزش صفر عدم عضویت کامل است. در این دستگاه معرفتی، حقیقت سیاه و سفید به حقیقت خاکستری انتقال می‌یابد و همه چیز تابع اصل عدم قطعیت می‌شود (Saei & et al, 2011, p.73).

در منطق فازی با تأکید بر نظام چند ارزشی، نه تنها عضویت یا عدم عضویت (یک یا صفر) را می‌پذیرد بلکه در عین حال میزان عضویت و عدم عضویت در مجموعه‌ها را درجه‌بندی می‌کند. به بیان دیگر، منطق فازی نوع و میزان عضویت را بازنمایی می‌کند و فضای دو ارزشی صفر و یک را به فضای سه ارزشی صفر، $0/5$ و یک (چند ارزشی) تعمیم می‌دهد. ارزش‌های صفر و یک در فاصله مساوی از نقطه میانی، یعنی $0/5$ قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، می‌توان از انواع و میزان عضویت سخن گفت که آن را عضویت فازی می‌نامند. بر مبنای منطق فازی، همه چیز به طور نسبی درجه‌بندی می‌شود و حقیقت چیزی بین صفر و یک است (Saei, 2011, p.81).

هرچه نقاط گسست و ارزش‌های عددی فازی در بازه $[0 \text{ و } 1]$ بیشتر باشد، دقت پژوهش نیز بیشتر می‌شود. عنصر کلیدی در تابع عضویت فازی درجه‌بندی میزان عضویت در یک مجموعه است؛ بنابراین می‌توان به یک مجموعه فازی به منزله متغیر پیوسته‌ای نگریست که به صورت عمدی و هدفمند برای نشان دادن درجه عضویت در یک مجموعه مدرج شده است (Taleban, 2009, p.39). مجموعه فازی بر سه نقطه برش کیفی استوار است: کاملاً عضو، نقطه گذر و کاملاً غیر عضو. نقطه گذار دارای حداکثر ابهام است؛ به این معنا که یک گزاره بیشتر عضو یا بیشتر غیر عضو مجموعه است. در منطق فازی به این ابهام توجه می‌شود. نقطه گذر، موردها را با عضویت بیشتر در یک مجموعه از موردهایی که بیشتر غیر عضو مجموعه هستند، جدا می‌کند (Saei, 2009, p.173).

در این پژوهش از تابع عضویت فازی S شکل استفاده شده است. این تابع عضویت به پژوهشگر اجتماعی کمک می‌کند تا با استفاده از نمره هر واحد مورد مطالعه از یک متغیر، درجه عضویتش در مجموعه‌ای را مشخص کند که بر اساس همان متغیر تعریف می‌شود (Saei & Kabiri, 2012, p.81). بعد از محاسبه امتیازات هر یک از کشورها بر حسب متغیرهای سازنده شکنندگی کشورها، ارزش‌های بیشینه و کمینه توزیع فراوانی متغیرهای مورد نظر تعیین گردیده است. سپس برای تعیین سه نقطه گسست، یعنی آستانه عضویت کامل، آستانه عدم عضویت کامل و نقطه تقاطع، از معیارهایی که در گزارش سالانه دولت‌های شکننده ارائه شده بهره گرفته شده است (کمتر از 60 به عنوان کشورهای باثبات، بین 60 تا 90 به عنوان کشورهای در معرض خطر، بالاتر از 100 به عنوان کشورهای شکننده). برای پردازش و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار fs/QCA استفاده شده است. واحد تحلیل در این پژوهش کشور است. همچنین در این تحقیق نمونه‌گیری به معنای آنچه در روش‌های کمی مورد نظر است، انجام نشده است بلکه سعی شده است بر اساس استراتژی تمام شماری کلیه موردهای مرتبط که دارای داده برای انجام مقایسه بودند، مورد بررسی قرار گیرد.

براین اساس، آزمون شرط لازم انجام شده است. با این توضیح که برای آزمون فازی شرط لازم دو نوع آزمون وجود دارد: آزمون قطعی و آزمون احتمالی؛ شیوه آزمون به نحوی است که یا هم‌زمان هر دو آزمون اجرا می‌شود و یا انتخابی یکی از این دو نوع آزمون. آزمون قطعی شرط لازم با یک مورد ناسازگار رد می‌شود ولی آزمون احتمالی در سطوح معناداری متفاوت قابل تفسیر است. مقدار شاخص‌های سازگاری و پوشش در آزمون احتمالی بین 0 تا 1 در نوسان است. در آزمون قطعی، ملاک قبولی فرضیات این است که شاخص سازگاری برابر یک باشد ولی در آزمون احتمالی در سطوح معناداری متفاوت، ملاک قبولی فرضیات تا $0/75$ در مطالعات کلان نیز مورد قبول است. در تحقیق حاضر، از آزمون شرط لازم احتمالی سود جسته شده است. شاخص‌های مهم آزمون شرط لازم، یعنی سازگاری و پوشش این چنین تعریف شده‌اند:

الف) شاخص سازگاری: بیانگر این امر است که معلول یا نتیجه تا چه میزان در مجموعه شرط لازم عضویت داشته و چه میزان خارج از آن است. این شاخص رابطه دو مجموعه را بر اساس شرط لازم و نتیجه توضیح می‌دهد. بر مبنای اصل سازگاری، شواهد تجربی به طور کامل از اصل زیرمجموعه پیروی می‌کنند. طبق این اصل همه مصادیق نتیجه به لحاظ نظری، زیرمجموعه‌ای از مجموعه مصادیق شرط لازم را تشکیل می‌دهند. در واقع شاخص سازگاری، معرف میزان اهمیت نظری رابطه مجموعه‌هاست.

ب) شاخص پوشش مکمل: شاخص سازگاری است. این شاخص بیانگر میزان اهمیت شرط لازم برای وقوع نتیجه است. پوشش کم، نشان‌دهنده بی‌اهمیتی شرط لازم است؛ بنابراین چنین شرطی فاقد اهمیت تجربی است. بر اساس استدلال ارائه شده می‌توان گفت دو شاخص سازگاری و پوشش در مجموع کمک می‌کنند، شروط با سازگاری پایین (شروط فاقد ارزش نظری) و شروط با پوشش پایین (شروط فاقد ارزش تجربی)، شناسایی شوند (Saei & Kabiri, 2012, p.92).

جستجو در مقالات منتشرشده در پایگاه‌های مجلات ایرانی و لاتین حاکی از آن است که تاکنون پژوهشی با روش منطق فازی در خصوص وضعیت شکنندگی کشورهای آسیای مرکزی و تحلیل سیاست خارجی ایران بر اساس آن به انجام نرسیده است و همین موضوع تمایز اصلی پژوهش حاضر است. باین‌وجود برخی تحقیقات منتشرشده به لحاظ محتوایی دارای قرابت با پژوهش هستند که مهم‌ترین آن‌ها در جدول ذیل درج شده است.

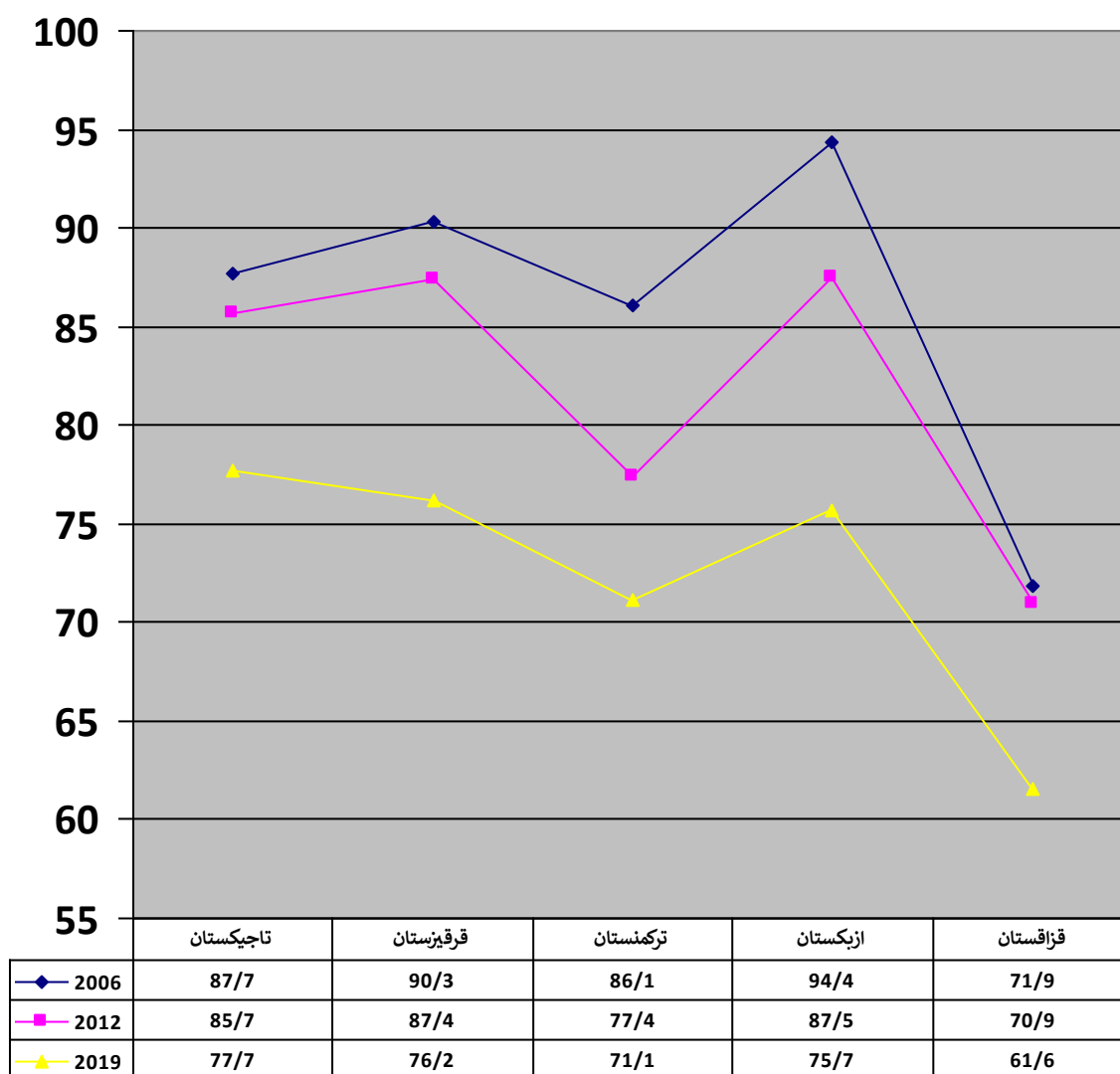
جدول ۱- پیشینه پژوهش

ردیف	نویسندگان	حیطه پژوهش
۱	کرمی و اقارب پرست، ۱۴۰۱	ادراک تهدید در روابط خارجی نقشی برجسته و غیرقابل انکار در شکل‌دهی به سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی ایفا کرده است.
۲	اکسا، ۱۴۰۰	هدف سیاست منطقه‌گرایی ایران در آسیای مرکزی در راستای اهداف بلندمدت با غلبه بر ناکامی‌ها و توجه به پتانسیل‌های دو طرف برای تجارت، سرمایه‌گذاری و نفوذ متقابل است
۳	نصرالهی و ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۹	اتخاذ یک رویکرد همکاری‌جویانه و همگرایی با کشورهای آسیای مرکزی برای ایرانی که نه دارای متحد استراتژیک است و نه متحد ایدئولوژیک، می‌تواند عقلانی‌ترین و کارسازترین راهبرد باشد.
۴	حجتی و حجتی، ۱۳۹۵	گسترش مناسبات فرهنگی و اقتصادی گام نخستین در بهبود سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی است و در صورت انجام آن ایران می‌تواند به لحاظ سیاسی و امنیتی نیز از این منطقه بهره‌بردار
۵	لطفی‌زاده، ۱۳۹۳	باتوجه‌به سوابق دیرین روابط تجاری و وجوه اشتراکات تمدنی و فرهنگی ایران با منطقه، درمجموع کشورهای آسیای مرکزی، قلمرویی هستند که ایران می‌تواند در عرصه‌های مختلف، روابط خود را در منطقه توسعه داده و شرایط مناسبی را برای خود، در شرایط کنونی و آینده سامان دهد
۶	جمشیدی و الهی دهقی، ۱۳۹۳	افزایش حضور رژیم صهیونیستی با رویکردهای امنیتی در کشورهای منطقه، تقویت همکاری ناتو با کشورهای منطقه در قالب طرح‌های مختلف مدنی و نظامی، ابتکارات اقتصادی بین‌المللی از جمله طرح‌های انتقال انرژی منطقه از مسیرهایی غیر از مسیر ایران و طرح‌های بزرگ و کوچک دیگر که همگی با منشأ خارجی شکل گرفته است، بر منافع و امنیت ملی ایران تأثیر دارند که نمی‌توان نسبت به آن‌ها غافل بود.
۷	زیباکلام و گودرزی، ۱۳۹۲	ایران و ترکیه با آگاهی از مضرات متقابل رقابت بیش‌ازحد به‌ویژه در زمینه اقتصادی و البته انرژی (نفت و گاز) و همچنین با کشف زمینه‌های همکاری مشترک از جمله مسائل امنیتی که هر دو کشور با آن روبرو بودند، سعی داشته‌اند تا دامنه رقابت کاسته و مناسبات خود را به سمت همکاری و یا دستکم آمیزه‌ای از همکاری و رقابت سوق دهند.
۸	سنایی و عطری، ۱۳۹۰	ایران سعی دارد خط ضدآمریکایی و ضد اسرائیلی خود را با فعال کردن همکاری با

<p>سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی متعادل کند و از این نظر محور آسیای مرکزی در سیاست‌خارجی ایران نقش مهمی پیدا کرده است.</p>	
<p>سیاست‌خارجی ایران در قبال آسیای مرکزی با امنیت داخلی آن در هم‌تنیده است، زیرا چندین گروه قومی مهم ایران با هم قومیت‌های این کشورها پیوند دارند. ایران و همسایگانش در آسیای مرکزی از درجه بالایی از تقسیم‌بندی سیاست‌ها استفاده می‌کنند تا هم‌زمان از منفعت برخوردار شوند و از درگیری آشکار جلوگیری کنند.</p>	<p>Shaffer,2022 ۹</p>
<p>برای ایجاد یکپارچگی و هم‌گرایی میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی، باید این مشترکات به ارزش‌های متقابل، تفکر مشترک و در نهایت به پیوند ذهنی تبدیل شود. ارتباط ذهنی می‌تواند همه عوامل مشترک دیگر را به مسیر یکپارچگی منطقه‌ای تبدیل کند. بدون چنین ارتباطی، تقویت یکپارچگی منطقه‌ای به نوعی غیرممکن است.</p>	<p>Shokoohi and Hajiabadi,2019 ۱۰</p>
<p>ایران خود را به‌عنوان یک بازیگر حیاتی در منطقه درک می‌کند و به دنبال تأکید بر مزایای موقعیت ژئواستراتژیک، ثبات نسبی و افزایش نقش بین‌المللی پس از توافق هسته‌ای است.</p>	<p>Wastnidge,2017 ۱۱</p>
<p>سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال این منطقه از یک سو بر اساس عوامل همگرا در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و نگاه به فرصت‌های نفوذ و همکاری بنا شده است. از سوی دیگر، با توجه به مؤلفه‌های واگرا، با چالش‌ها و تهدیدهایی نیز مواجه است که مجموع آن‌ها همچنان بر جهت‌گیری سیاست‌خارجی ایران نسبت به منطقه تأثیر می‌گذارد.</p>	<p>Kiani,2014 ۱۲</p>

۵. یافته‌ها

پیش از بررسی مسیرهای شکنندگی دولت‌های موجود در منطقه آسیای مرکزی، توصیفی از فرایند شکنندگی دولت‌های این منطقه در بازه زمانی ۲۰۰۶ الی ۲۰۱۹ ارائه می‌گردد.



◆ 2006 ■ 2012 ▲ 2019

نمودار ۱- شکنندگی کشورهای آسیای مرکزی

۵ کشور مورد بررسی بر اساس سه نقطه تقاطع، به شرح ذیل تقسیم می‌گردند:

جدول ۲- وضعیت شکنندگی دولت‌ها

کشورها	وضعیت
-----	بایاتبات (شکنندگی کمتر از ۶۰)
ازبکستان، قزاقستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان	در معرض خطر (شکنندگی بالاتر از ۶۰ تا ۹۰)
-	دولت‌های شکننده (بالاتر از ۱۰۰)

امتیاز شکنندگی کشورها و نمره فازی آن‌ها به شرح ذیل است:

جدول ۳- امتیاز شکنندگی دولت‌ها

کشور	شکنندگی	نمره فازی
ازبکستان	۷۵,۷	۰,۶۴
قزاقستان	۶۱,۶	۰,۳۰
قرقیزستان	۷۶,۲	۰,۶۵
تاجیکستان	۷۷,۷	۰,۶۸
ترکمنستان	۷۱,۱	۰,۵۷

بررسی مسیرهای شکنندگی

اگرچه ممکن است مجموع امتیازات چند کشور آن‌ها را در موقعیت یکسانی قرار دهد، اما به این دلیل که شاخص شکنندگی دولت‌ها از ترکیب چندین عامل محاسبه می‌گردد، وضعیت نهایی مشابهی می‌تواند از موقعیت‌های متفاوتی حاصل آمده باشد. برای بررسی این موضوع، با استفاده از منطق فازی و شروط لازم، ۵ کشور منطقه آسیای مرکزی و شرایطی که به شکنندگی آن‌ها منتهی می‌شود، مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه بررسی تمامی کشورها در گروه کشورهای با هشدار شکنندگی قرار دارند.

مسیرهای شکنندگی

بر اساس داده‌های موجود، منطق فازی ۵ مسیر را برای شکنندگی دولت‌های منطقه آسیای مرکزی مشخص نموده است:

مسیر اول: نخبگان مخالف دولت + وجود گروه‌های انتقام‌جو + سقوط اقتصادی سریع + عدم مشروعیت + کاربرد دلخواهانه از قانون؛ در این مسیر کشور قزاقستان حضور دارد.

مسیر دوم: نیروهای نظامی خودگردان + نخبگان مخالف دولت + وجود گروه‌های انتقام‌جو + توسعه نامتوازن + عدم مشروعیت + کاربرد دلخواهانه از قانون؛ در این مسیر کشور ترکمنستان حضور دارد.

مسیر سوم: نیروهای نظامی خودگردان + نخبگان مخالف دولت + وجود گروه‌های انتقام‌جو + فقر و سقوط اقتصادی سریع + توسعه نامتوازن + مهاجرت نخبگان + عدم مشروعیت + کاربرد دلخواهانه از قانون + فشارهای جمعیتی + جریان وسیع آواره‌گان؛ در این مسیر کشور ازبکستان حضور دارد.

مسیر چهارم: نیروهای نظامی خودگردان + نخبگان مخالف دولت + وجود گروه‌های انتقام‌جو + فقر و سقوط اقتصادی سریع + مهاجرت نخبگان + عدم مشروعیت + کاربرد دلخواهانه از قانون + فشارهای جمعیتی + مداخله کشورهای دیگر؛ در این مسیر کشور تاجیکستان حضور دارد.

مسیر پنجم: نیروهای نظامی خودگردان + نخبگان مخالف دولت + وجود گروه‌های انتقام‌جو + سقوط اقتصادی سریع + مهاجرت نخبگان + عدم مشروعیت + کاربرد دلخواهانه از قانون + مداخله دولت‌های دیگر؛ در این مسیر کشور قرقیزستان حضور دارد.

شاخص سازگاری محاسبه شده برابر است با ۰,۹۲، که نشان‌دهنده شروط لازم بررسی شده بیش از ۹۵ درصد از مشاهدات به‌طور کامل از اصل زیرمجموعه پیروی نموده‌اند و این به‌معنی اهمیت نظری موضوع مورد بررسی است.

شاخص پوشش نیز ۰,۸۶ محاسبه شده است که اهمیت شروط مورد بررسی برای وقوع نتیجه است.

بررسی مجموعه شروط لازم

بر اساس اطلاعات ارائه شده در بخش قبل، می‌توان به بررسی مجموعه شروطی پرداخت که به‌عنوان شرط لازم در شکنندگی دولت‌های آسیای مرکزی تأثیرگذار هستند.

مجموعه شروط لازم شکنندگی دولت در آسیای مرکزی عبارت خواهد بود از:

نخبگان مخالف دولت+ وجود گروه‌های انتقام‌جو+ عدم مشروعیت+ کاربرد دلخواهانه از قانون؛ در این صورت این مجموعه شروط را می‌توان شرط ناکازم شکنندگی دولت در آسیای مرکزی نامید.

6. تحلیل نظری: امنیت منطقه‌ای آسیای مرکزی و سیاست خارجی ایران

نتیجه بررسی کشورهای مجاور ایران در منطقه آسیای مرکزی، مشخص ساخت که تمامی ۵ کشور حاضر در طیف کشورهای دارای هشدار شکنندگی قرار دارند. این موضوع مؤید این نکته است که منطقه آسیای مرکزی دارای موضوعات حاد امنیتی است. مسئله از این جهت اهمیت پیدا می‌نماید گروه‌های انتقام‌جو حاضر در این منطقه، در تأمین نیرو برای داعش نقش مؤثری داشتند و پس از اضمحلال داعش نیز، بخشی از نیروهای باقیمانده به این منطقه بازگشته‌اند. ظهور مسائلی مشابه آنچه ترسیم گردید، موجب متبادر ساختن این موضوع در حوزه روابط می‌گردد که امروزه درک صلح و امنیت یک کشور بدون توجه به چهارچوب منطقه‌ای امکان‌پذیر نمی‌باشد. در همین راستا نیز نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای^۳ ساخت یافته است. در متداول‌ترین تعریف، مجموعه امنیتی منطقه‌ای عبارت است از گروهی از کنشگران که نگرانی‌های اصلی امنیتی آن‌ها تا اندازه‌ای به هم گره‌خورده که امنیت آن‌ها را به‌صورت منطقی نمی‌توان جدای از یکدیگر مورد توجه قرار داد. شکل‌گیری مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای از یک سو ناشی از تعامل میان ساختار آنارشیک و پیامدهای آن برای توازن قوا و از سوی دیگر، ناشی از فشارهای نزدیکی جغرافیایی است (Buzan & Waever, 2003, p.51).

در این نظریه، بُعد جهانی امنیت مورد انتقاد قرار گرفته و در مقابل آن، موضوع امنیت منطقه‌ای مورد نظر قرار می‌گیرد. به اعتقاد باری بوزان، حوادثی که در اواخر جنگ سرد در نظام بین‌الملل به وجود آمده هم ابعاد جدیدی از امنیت را مطرح کرده و مشخص ساخت که تحلیل‌های سطح کلان و سطح خرد نمی‌تواند پاسخگوی تغییرات ایجاد شده در ابعاد و مرجع امنیت باشد (Sazmand & Jokar, 2016, p.154). از نظر بوزان امنیت ملی به‌خودی‌خود یک سطح معنادار تحلیل نیست. دلیل این امر را می‌توان این‌چنین بیان کرد که پویای امنیتی ذاتاً رابطه‌ای هستند و هیچ ملتی به‌تنهایی نمی‌تواند امنیت خود را تأمین کند (Buzan & Waever, 2009, p.48). بر اساس آنچه بوزان در نظریه مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای توضیح می‌دهد، در صورتی که موضوع‌های امنیتی در کنار یکدیگر فهرست شوند و در ترکیب با کنشگران مرتبط با آن موضوع‌ها و مسائل امنیتی مورد توجه قرار گیرد، مشخص خواهد شد که در برخی مناطق از جهان، شدت تهدیدهای امنیتی و نیز نوع منافع و عملکرد کنشگران درگیر در آن، فضای امنیتی متفاوتی را نسبت به مناطق پیرامونی به وجود آورده است (Azizi, 2018, p.159).

بوزان و ویور به‌عنوان شارحان اصلی امنیت منطقه‌ای چنین بیان نموده‌اند که از یک سو امنیت هیچ کشوری تنها متکی بر خود نیست و نمی‌توان تنها بر سطح ملی در تحلیل امنیت متکی بود؛ زیرا از طریق فهم عملکرد واحدهای مجزا نمی‌توان امنیت آن‌ها را درک کرد و باید از طریق درک پویای امنیتی منطقه‌ای درکی وسیع‌تر از امنیت یافت؛ چراکه به‌قدری مسائل امنیتی کشورها درهم‌تنیده است که نمی‌تواند جداگانه مورد تحلیل قرار بگیرد. از سوی دیگر، سطح جهانی نیز بسیار کلی و فاقد فهم کافی از امنیت برای کشورهاست؛ بنابراین منطقه، مناسب‌ترین سطح برای تحلیل امنیت است. بوزان و ویور معتقدند که باید سلسله مراتبی از سطوح تحلیل در درون سیستم بین‌الملل را مدنظر قرار داد که هر یک از آن‌ها قابل‌دوام، مهم و حاوی ویژگی‌هایی باشند که آن‌ها را از لحاظ امنیتی خودبسته‌اند؛ یعنی مسائل امنیتی آن‌ها فارغ از نقش‌آفرینی بازیگران خارجی، خاص آن‌ها باشد. به‌همین دلیل نیز، سطح میانی امنیت منطقه‌ای را طراحی نموده‌اند. به نظر آن‌ها، امنیت منطقه‌ای هر دو مؤلفه ملی و جهانی را در خود دارد؛ هم‌وابستگی متقابل امنیتی لحاظ شده است، هم از گستردگی بیش‌ازحد گستره امنیت اجتناب شده است. در سطح منطقه‌ای امنیت جهانی و ملی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و بسیاری از حوادث هم در آن رخ می‌دهد. ساختار بنیادین یک مجموعه امنیتی چهار متغیر دارد: مرز که مجموعه امنیت منطقه‌ای را از همسایگانش جدا می‌کند؛ ساختار آنارشیک، به این معنا که مجموعه امنیتی منطقه‌ای باید از دو یا چند واحد خودمختار تشکیل شده باشند؛ قطبش که

پوشش‌دهنده توزیع قدرت در میان واحدهاست؛ ساخت اجتماعی که شامل الگوهای دوست و دشمنی میان واحدهاست. ضمن آنکه باید به این الگو، تأثیرات نفوذ قدرت‌های خارجی را هم افزوده گردد (Buzan & Waever, 2009, p. 253-264).

بنابراین، نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای الگوی نظری مناسبی برای تحلیل وضعیت کلان منطقه آسیای مرکزی است زیرا معتقد است که ویژگی‌های امنیتی در سطح منطقه‌ای پایدارند؛ ضمن آنکه این ویژگی‌ها در اصل خودکفا هستند زیرا در عین مستقل بودن، از پوششی امنیتی برخوردارند که حتی بدون تأثیر سایر بازیگران، وجود خواهند داشت (Sazmand & Jokar, 2016, p. 155). بوزان معتقد است در سطح منطقه‌ای دولت‌ها آن اندازه به یکدیگر نزدیک هستند که نمی‌توان امنیت آن‌ها را جدای از یکدیگر در نظر گرفت. در سطح منطقه‌ای امنیت جهانی و ملی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و بسیاری از حوادث هم در آن رخ می‌دهد. تصویر کلی در محل تقاطع این دو، شکل می‌گیرد؛ یعنی قدرت‌های جهان در سطح سیستمی یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند و مجموعه وابستگی متقابل امنیتی نزدیک به هم در سطح منطقه‌ای شکل می‌گیرد^۴ (Kolaei et al, 2019, p. 145).

سیاست خارجی ایران: لزوم چندجانبه‌گرایی

بررسی وضعیت شکنندگی دولت‌ها در آسیای مرکزی مشخص ساخت که هر یک از کشورهای منطقه، دارای تحت‌تأثیر متغیرهای خاصی قرار داشته و براین اساس می‌توان وضعیت آن‌ها از دیگر تمایز نمود؛ گرچه چهار عامل به صورت مشترک در میان کشورهای منطقه تأثیرگذار هستند (نخبگان مخالف دولت + وجود گروه‌های انتقام‌جو + عدم مشروعیت + کاربرد دلخواهانه از قانون). همچنین در تحلیل نظری بیان گردید که امنیت منطقه‌ای در آسیای مرکزی می‌بایست مورد نظر باشد، زیرا آسیای مرکزی دارای پوشش‌های امنیتی مختص به خود است که جزء با همکاری کشورهای دخیل و تحت‌تأثیر از آن، فاقد راه‌حل است؛ اما این دو موضوع صرفاً در بحث تحلیل وضعیت و توضیح نظری باقی‌مانده، درحالی‌که آسیای مرکزی نیازمند اقدام جهت بهبود وضعیت است. دراین خصوص به نظر می‌آید که جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک بازیگر مهم در منطقه، از توانایی لازم جهت ایفای نقشی مهم، از طریق توسعه سیاست خارجی چندجانبه‌گرا^۵، برخوردار است که با اثرگذاری و ثبات بخشی به کشورهای آسیای مرکزی ضمن کاهش ریسک مخاطرات آن‌ها، از وقوع اثر دومینو و اثرگذاری بحران‌های این منطقه به کشورهای همسایه (مانند افغانستان) و خود جلوگیری نماید.

مفهوم چندجانبه‌گرایی برای نخستین بار در قرن بیستم به‌عنوان یک الگوی دیپلماسی در کنار دیپلماسی دوجانبه ظاهر شد. در ساده‌ترین مفهوم، این اصطلاح به‌معنی اقدام گروهی متشکل از سه دولت یا بیشتر یا اقدامی میان آن‌هاست. این الگو یک جایگزین و مکمل روابط دوجانبه است (Roshan & et al, 2016, p. 49). رابرت کوهن این مفهوم را این‌گونه تعریف نموده است: چندجانبه‌گرایی عمل تطبیق و هماهنگی سیاست‌های ملی در بین سه یا بیشتر از سه کشور با ترتیبات موقت یا به‌وسیله نهادهای بین‌المللی است (Imani & et al, 2016, p. 91). روگی وجه مشترک ترتیبات چندجانبه‌گرایی را وجود مجموعه قواعدی می‌داند که مناسبات میان گروهی متشکل از سه دولت یا بیشتر را مطابق با اصول عمومی رفتار تنظیم می‌کند؛ اصول کلی رفتار معمول در شکل هنجارها و نرم‌های پذیرفته شده کلی (نه جهانی) به‌جای روابط مورد به مورد و بر اساس اولویت‌های فردی، ضرورت‌های موقعیتی یا زمینه‌های پیشینی اولیه مانند ایدئولوژی و مذهب است. چندجانبه‌گرایی، اصول کلی رفتار را الزام کشورها به واکنش در برابر متجاوز در هر زمان و هر مکانی که اتفاق بیفتد، نه بر اساس وضعیت‌های دلخواه می‌داند. این اصل مشارکت برابر کشورهای عضو را تحت نهادهای چندجانبه برجسته می‌کند (Jozani & Kohan, 2019, p. 5). همچنین این تعریف از این مفهوم ارائه شده است: چندجانبه‌گرایی عبارت است از شرایطی که چندین کشور یا سازمان‌های بین‌المللی در خصوص دستیابی به هدفی خاص یا برخورد با مسئله‌ای با یکدیگر همکاری می‌کنند (Roshan & et al, 2016, p. 49).

۴ - همچنین ن. ک به:

Pourabrahim & Goodarzi, 2011, p. 30; Aqarbparast, 2011, p. 269; Chegnizadeh & et al, 2013, p. 65 Shafiee and Faraji Nasri, 2014, p. 11; Safavid and Prophetic, 2015, p. 36; Sazmand & Jokar, 2016, p. 159; Dehshiri & Maboudi, 2017, p. 157; Dehshiri & et al, 2017, p. 45; Jamshidi et al, 2018, p. 199; Noor Mohammadi & Fassihi Dolatshahi, 2018, p. 157.

اصولاً در سیستم امنیت دسته‌جمعی، امنیت موضوعی سیستمی است. به عبارتی، مختص به کشوری خاص نیست، بلکه مسئله متعلق به تمامی کشورهاست و آن‌ها همگی امنیت اعضای سیستم را چنان مورد توجه قرار می‌دهند که گویی امنیت آن‌ها مطرح است (Roshan & et al, 2016, p.50). به همین دلیل نیز اصول چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی را چنین برشمرده‌اند:

غیرقابل تقسیم بودن⁶ اصل تفکیک‌ناپذیر یک سیستم امنیت جمعی است. غیرقابل تقسیم بودن یعنی جنگ در برابر یک کشور به معنای جنگ در برابر همه کشورها است. هسته مرکزی سیستم امنیت جمعی غیرقابل تقسیم بودن مصالح و حرکت به سمت کاهش طبیعی تجاوز است. امنیت مختص به کشور خاصی نیست، بلکه متعلق به تمامی کشورها است.

اصول کلی رفتار⁷ معمولاً در شکل هنجارهای پذیرفته‌شده کلی به‌جای روابط مورد به مورد و بر اساس اولویت‌های فردی، ضرورت‌های موقعیتی با زمینه‌های پیشینی اولیه مانند ایدئولوژی، مذهب و غیره است. این اصل عنصر اساسی تطبیق و هماهنگی امور بین کشورهاست. چندجانبه‌گرایی شکل نهادی عام زندگی بین‌المللی در دوران معاصر است. اصول کلی رفتار، الزام کشورها به واکنش در برابر متجاوز در هر زمان و هر مکانی که اتفاق بیفتد، است.

مقابله به مثل پراکنده⁸ ترتیباتی است که توسط کشورهای عضو یک سیستم امنیت جمعی در پاسخ به تجاوز در هر زمان و هر مکانی اتخاذ می‌شود (Imani et al, 2016, p.91).

تحلیل شکنندگی دولت‌های آسیای مرکزی و نظریه مجموعه امنیتی، مبرهن می‌سازند که حل مسائل موجود در آسیای مرکزی باتوجه به همگونی قومی متراکم در کشورهای هم‌مرز، نیازمند توجهات متفاوت و درعین حال متمرکز بر مسائل موجود است. این موضوع سیاست خارجی چندجانبه‌گرا تشریح گردید. جهت به‌کارگیری این موضوع، ضروری است تا ضمن شناخت و همسان‌سازی صورت گرفته در وضعیت شکنندگی دولت‌ها، از امکانات موجود در جهت اهداف سیاست خارجی سود جست. به‌عبارت‌دیگر، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌بایست شناختی منطق بر واقعیت از کشورهای همسایه خود داشته و بر اساس وضعیت مشابهی که در منطقه جغرافیایی آن وجود دارد، سیاست خارجی هدفمندی را پایه‌گذاری نمود. براین اساس و توضیحات ذکرشده در قسمت بررسی وضعیت کشورهای آسیای مرکزی، گام اول سیاست خارجی چندجانبه‌گرا می‌بایست وضعیت‌های ذیل را مدنظر داشته باشد:

نخست آنکه باتوجه به متغیرهای میسر در هر ۵ کشور (نخبگان مخالف دولت + وجود گروه‌های انتقام‌جو + عدم مشروعیت + کاربرد دلخواهانه از قانون) باید بدین موضوع توجه داشت که عدم مشروعیت دولت‌های منطقه و استفاده نامناسب از قانون از سمت آن‌ها، تأثیر فزاینده برای نحوه عملکرد نخبگان مخالف و گروه‌های انتقام‌جو خواهد داشت و ادامه این وضعیت، مجال بیشتری برای مخالفان و گروه‌های متخاصم را فراهم خواهد ساخت که این موضوع به ایجاد ناامنی و خشونت دامن خواهد زد. چندجانبه‌گرایی لازم در این خصوص، حمایت از دولت‌های موجود و یاری آن‌ها در جهت افزایش مشروعیت در گام اول خواهد بود. همچنین، باتوجه به صبغه تاریخی حضور ایران در منطقه، می‌توان از ظرفیت اقناع‌گری ایران در خصوص گروه‌های نخبه کشورهای منطقه استفاده نمود. تشکیل نیروی نظامی مشترک جهت مقابله با اقدامات احتمالی گروه‌های انتقام‌جو نیز دیگر اقدام امنیتی چندجانبه‌گرایانه در منطقه خواهد بود.

در خصوص کشور و تاجیکستان و ترکمنستان: نیروهای نظامی خودگردان عامل مهمی در عدم ثبات دولت محسوب می‌گردند. این موضوع از زمان استقلال تاجیکستان مطرح بوده که باتوجه به سابقه تاریخی، ایران از توانایی بالقوه مناسبی در این خصوص برخوردار است. همچنین، همگونی قوم ترکمن، می‌تواند مبنای مناسبی برای مذاکره با گروه‌های مخالف دولت در ترکمنستان باشد. این موضوع عامل مهمی در ساختار بندی سیاست خارجی چندجانبه‌گرا ایران در منطقه خواهد بود.

در خصوص کشور و ازبکستان و قرقیزستان: بالاترین میزان شکنندگی در سنوات گذشته در آسیای مرکزی، مربوط به این دو کشور است؛ لذا لزوم توجه بیشتری بدان‌ها وجود دارد، چراکه متغیرهای متعدد اقتصادی و اجتماعی نیز در این دو کشور فعال بوده و خطر فعال شدن شکاف‌های متراکم وجود دارد. زمینه‌های اقتصادی نامناسب این دو کشور می‌بایست مورد توجه ایران و سایر کشورهای منطقه قرار گیرد.

6 - Indivisibility

7 - Principles of Conduct Generalized

8 - Diffuse Reciprocity

در خصوص قزاقستان: این کشور در مرز ورود به کشورهای دارای ثبات نسبی است و به‌طور کلی نیز باتوجه به تغییرات اعمال شده در سال‌های اخیر در این کشور، وضعیت روی به ثباتی را در چشم‌انداز خود دارد؛ بنابراین، قزاقستان می‌تواند نقش مؤثری در چندجانبه‌گرایی مورد نظر سیاست‌ خارجی ایران در آسیای مرکزی برعهده داشته باشد.

۷. نتیجه‌گیری

نتیجه بررسی صورت گرفته بیانگر این امر است که شکنندگی دولت‌ها در منطقه آسیای مرکزی ماحصل ترکیب چندین عامل و در نتیجه مسیرهای متفاوت است و در واقع وضعیت نهایی مشابهی می‌تواند از موقعیت‌های متفاوتی حاصل آمده باشد. بر اساس تحلیل منطق فازی، دولت‌های آسیای مرکزی در ۵ مسیر متفاوت شکنندگی قرار گرفته‌اند؛ بدین معنی که هر یک از کشورها دارای مسیری تفاوت در شکنندگی است.

بوزان در نظریه خود معتقد است که راهکار حل معضلات امنیتی، توجه به سطح منطقه و اقدامات مشترک واحدهای حاضر در آن، جهت رفع خطر مشترک است. بررسی وضعیت آسیای مرکزی در شکنندگی دولت‌ها مشخص نمود که در این منطقه احتمال وقوع مسائل امنیتی و بروز خشونت وجود داشته، چراکه دو متغیر نخبگان مخالف و گروه‌های انتقام‌جو و متخاصم، دارای وضعیت نامساعدی در هر ۵ کشور هستند. تجمیع شرایط ذکر شده، الزام توجه ویژه به وضعیت امنیتی منطقه آسیای مرکزی را به اثبات می‌رساند، چراکه امنیت اصل اساسی سیاست‌ خارجی بوده و به‌عنوان زیربنای سایر اقدامات، در صورت عدم وجود آن، انجام هرگونه فعالیت از جمله اقتصادی، غیرممکن و دارای هزینه‌های فراوان است.

یک سیاست‌ خارجی موفق، معطوف به وضعیت‌های متفاوتی است که در حال وقوع است؛ چندجانبه‌گرایی در سیاست‌ خارجی این امکان را به وجود خواهد آورد که با هر گروه از دولت‌های هدف، بر سر موضوعات مشخص و تأثیرگذار همکاری و تشریک‌مساعی صورت پذیرد. این موضوع ضمن هدفمند نمودن هزینه‌ها، تنوع‌بخشی به ابزارهای سیاست‌ خارجی را در پی خواهد داشت. شناسایی ۵ مسیر در شکنندگی دولت‌های آسیای مرکزی، لزوم توجه به چندجانبه‌گرایی در سیاست‌ خارجی را مبرهن می‌سازد. به‌کارگیری اصول چندجانبه‌گرایی، به بهبود وضعیت امنیتی منطقه آسیای مرکزی استمداد رسانیده و درعین‌حال، ایران را به ایفاگر نقش محوری در منطقه تبدیل خواهد نمود.

References

- Ahmadi, A.; Saveh Droudy, M., Vasegh, M, & Maleki, A. (۲۰۱۸). Security Threats of the Islamic Republic of Iran in Central Asia Based on Islamic Fundamentalism (with Emphasis on Software Dimension), *Interdisciplinary Studies in Strategic Knowledge*, 8(33), 167-187 (in Persian).
- Aksa, N. (2021), Regionalism and the change of Iran's foreign policy in Central Asia, *Research of nations*, 63 (2), 55-70(in Persian).
- Aqarbparast, M. (2011). Collective Security Arrangements: A New Model for Creating Security in the Persian Gulf, *Political and International Research*, (9), 267-274(in Persian).
- Asadi, R. (2018). The Requirements of Iran's Foreign Policy in Central Asia in order to reach the first place in the region in 2025, *Studies of Southwest Asia*, 1(33), 55-77 (in Persian).
- Azizi, H. (2018). Analysis of Iran-Central Asia Security Links Based on the Theory of Regional Security Collections, *Central Eurasia Studies*, 11(1), 157-175 (in Persian).
- Bahman, Sh. (2018). The contexts and consequences of ISIL's presence in Central Asia, *Strategic Studies of the Islamic World*, (7), 41-68 (in Persian).

- Beshkani, G. (2018). The Popular Structure of Central Asia and the Size of Acceptance of Extremism, *Strategic Studies of the Islamic World*, (76), 115-142(in Persian).
- Buzan, B.; & Waever, O. (۲۰۰۳). *Regions and Powers: The Structure of International Security*, New York: Cambridge University Press.
- Buzan, B.; & Waever, O. (2009) Macro securitization and security constellations: reconsidering scale in securitization theory, *Review of International Studies*, 35 (2), 253-276.
- Buzan, B.; & Weaver, O. (2009), *Regions and Powers*, translated by Rahman Ghahramanpour, Tehran: Research Institute for Strategic Studies (in Persian).
- Chegnizadeh, G.; Tajik, H., & Nabavi, M (2013), The Impact of Syrian Developments on the Interactive Pattern between Iran and Turkey: Conceptual and Theoretical Pattern, *Afagh Amniyat*, 6(21), 62-110(in Persian).
- Collier, P. (2003). *Breaking the Conflict Trap, World Bank Policy Research Report*, Washington Oxford University Press.
- Cowan, P. (2006). Geographic usage of the terms Middle Asia and central Asia, *journal of the Arid Environments*, 23(69), 359-363.
- De Blij, H.; & Muller, P (1994). *Geography: Realms, Regions and Concepts*, New York: John Wiley and Sons.
- Dehghani Firoozabadi, J. (2015). *Principles and Foundations of International Relations (1)*, Tehran: Samat.
- Dehshiri, M.; Hosseini, M., Shiravand, S., & Hosseini, M. (2017). The effect of regional security on the cognitive behavior of regional security complexes, *World Politics*, 6(1), 43-78(in Persian).
- Dehshiri, M.; & Maboudi, F. (2017). Strategic Evaluation of the Islamic Republic of Iran in the Face of the Yemeni Crisis, *Strategic and Macro Policies*, 5(19), 149-171(in Persian).
- Dehshiri, M.; & Jozani Kohan, Sh. (2015). ISIL Terrorist Cells Network in Central Asia, *Central Asia and the Caucasus*, (92), 29-63(in Persian).
- Diant, M.; Abbasi Qadi, M., & Farhadi, M. (2019), A Study and Comparison of the Role of Social Development in the Tendency to Extremist Islam in Central Asia, *Central Eurasian Studies*, 12(1), 35-56(in Persian).
- Farhadi, M. (2016). A Study of the Relationship between Political Development Indicators and Tendency to Extreme Islam in Central Asia (Case Study: Tendency to ISIS Group), *Political and International Approaches*, 7(46), 178-144(in Persian).
- Fragil States Index (2019). Found for Peace (FFP), at:
[Foundforpeace.org/ library/-fragilstatesindex-2019.pdf](http://Foundforpeace.org/library/-fragilstatesindex-2019.pdf).
- Ghavam, A. (2011). *Principles of Foreign Policy and International Politics*, Tehran: Samat.
- Grigsby, E. (2009). Analyzing Politics An Introduction to Political Science, Available in:
www.nicat-mammadli.narod.ru/b1.html/b35.pdf
- Hejazi, Sh.; & Bahman, Sh. (2019). Identifying and Analyzing Actors Affecting Future Developments in Central Asia, *Global Politics*, 8(2), 207-246(in Persian).

- Hojjati, A.; Hojjati, I. (2016), Foreign policy plan of the Islamic Republic of Iran in Central Asia, *politics*, 9 (1), 45-57(in Persian).
- Imani, H.; Dilmaghani, F., Roshani, H. (1397). Multilateralism Approach; Effective Approach to Fighting Terrorism in the Islamic World (with Emphasis on Cooperation between Iran, Turkey, Egypt and Saudi Arabia), *Political Studies of the Islamic World*, 7(2), 87-114(in Persian).
- Islami, M.; Ayaz, B. (2017). A Study of the Causes of ISIL's Influence in Central Asia and Its Possible Consequences, *Strategic Policy Research*, 6(2), 225-250(in Persian).
- Janparvar, M.; & Salehabadi, R. (2018). Explanation and classification of border disputes in the geopolitical region of Central Asia, *World Politics*, 7(4), 133-172(in Persian).
- Jamshidi, H.; Mahkouei, H., Goodarzi, M., & Momeni, M (2018). A Study of Iran's Membership in the Regional Security System in Central Asia with Emphasis on the Shanghai Cooperation Organization, *New Attitudes in Human Geography*, 11(1), 195-215(in Persian).
- Jozani Kohan, Sh.; & Jozani Kohan, Sh. (2019), Multilateralism based on the Beijing Consensus Model; China Strategy in East Asia, *Foreign Policy*, 33(3), 137-154(in Persian).
- Karami, A.; Aqrab Parast, M. (2022). Threat perception in Iran-Saudi relations in the Middle East and Central Asia, *Studies of Central Asia and the Caucasus*, 28 (118), 139-165(in Persian).
- Kazem beiki, M. (2016). Observations on the Threats of Extremism in Central Asia, *History of Foreign Relations*, 17(66), 125-139(in Persian).
- Khosravi Bab Anari, M. (2017), The 11th Government's Foreign Policy Approach to the Order and Security of the Central Asian Region, *International Relations Studies*, 10(39), 31-58(in Persian).
- Kiani, D. (2014). Iran and Central Asia: A Cultural Perspective, *Iranian Review of Foreign Affairs*, 4 (1), 113-138.
- Kolaei, E.; & Akbari, Z. (2017), Fragile Government in Iraq and Women's Security, *Politics*, 47(1), 159-177(in Persian).
- Kolaei, E.; & Blourchchizadeh, M. (2018), Transformation in the role and place of Sufism in Central Asia, *Central Eurasian Studies*, 11(2), 435-452(in Persian).
- Kolaei, E.; & Sedaghat, M. (2012). Barriers to Convergence in the Organization of Independent Commonwealth Countries, *Iranian Journal of International Policy Research*, 1(1), 94-114(in Persian).
- Koohkan Bagheri, A.; & Bagheri, S. (2015). Formations of ISIS Formation in Central Asia, *Political Research of the Islamic World*, 5(3), 185-207(in Persian).
- Jamshidi, M.; Elahi Dehghi, I. (2014). Presenting a model for analyzing the strategic environment of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran; A case study of the Central Asia region, *Studies of Central Asia and the Caucasus*, 86 (2), 31-61(in Persian).
- Lotfizadeh, A. (2014). The ontology of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran and its effects on the political trends of Central Asian countries, *Political studies of the Islamic world*, 11 (3), 137-156(in Persian).

- Majidi, M.; & Bagheri, Y. (2018), Fields of Origin and Growth of Extremism in Central Asia: A Case Study of ISIL, *International Political Research*, (34), 179-202(in Persian).
- Maaloumi, F.; & Zargar, A. (2019), Analysis of the Syrian Civil War Based on the Theory of Regional Security Collection, *Political and International Research*, 10(39), 27-58(in Persian).
- Merzlyakova, I. (2002). *The Mountains of Central Asia and Kazakhstan*. In: Shahgedanova, M. (Ed.), *The Physical Geography of Northern Eurasia*. Oxford University Press.
- Nasrallahi, F.; Abolhasan Shirazi, H. (2020). Islamic Republic and Central Asia: feasibility of alignment in foreign policy with emphasis on Tajikistan, *International relations studies*, 49 (1), 143-178(in Persian).
- Noor Mohammadi, M.; & Fassihi Dolatshahi, M. (2018), Applying the Theory of Regional Security in Analyzing Relationship Problems and Patterns in South Asia, *Political and International Approaches*, 10(2), 153-189(in Persian).
- Pishgahi Fard, Z.; & Alizadeh, O. (2018), A Study of New Regional Convergence Patterns in Southwest Asia, *Southeast Asian Studies*, 1(1), 37-59(in Persian).
- Pourabrahim, N.; & Goodarzi M. (2011), Review of the security zones of the actors of the South Caucasus (Chaotic Border), *Central Asia and the Caucasus*, (75), 27-49(in Persian).
- Roshan, A.; Faraji, M., & Ranjbar Heidari, V. (2016). Multilateralism; China's Strategy in Central Asia, *Strategy*, 25(79), 69-47(in Persian).
- Saei, A. (2009). Fuzzy Democracy, *Historical Sociology*, 1(1), 167-191(in Persian).
- Saei, A. (2011). Critical Argument on the Relationship with Experienced Theory: A Case Study of Puritanist Epistemological Systems, Critical and Fuzzy Rationality, *Historical Sociology*, 3(2), 61-92(in Persian).
- Saei, A.; & Kabiri, A. (2012). Comparative Analysis of Governance Quality: An Inter-Country Study with a Fuzzy Approach from 2000-2008, *Social Sciences*, (58), 59-108(in Persian).
- Saei, A.; Kabiri, A., Kasraei, M., & Sadeghi, H. (2011). Social Capital and Good Governance: Fuzzy Comparative Analysis between the Country from 2000 to 2008, *Social Problems in Iran*, (10), 63-94(in Persian).
- Safavi, H.; & Nabavi, M. (2015). The Impact of the Syrian Crisis on the Security Complex of West Asia, *National Interests*, 1(2), 33-51(in Persian).
- Sarmast, H.; Bijani, A., & Akhbari, M. (2019), Presenting the Pattern of Regionalism of Iran and Central Asia, *New Attitudes in Human Geography*, 12 (1), 311-324(in Persian).
- Sanai, M.; Atari, F. (2011). Analytical comparison of foreign policy of Iran and Russia in Central Asia, *Central Eurasian Studies*, 4 (2), 21-38(in Persian).
- Sazmand, B.; & Jokar, M. (2016). Regional Security Collection, Scanners and Patterns of Relations between the Persian Gulf Countries, *Geopolitics*, 12(2), 151-177(in Persian).
- Simbar, R.; & Rezapour, D. (2018). Strategy of the Islamic Republic of Iran against the Security Crisis in Central Asia, *Foreign Policy*, 32(3), 39-66(in Persian).

- Shaffer, B. (2022). Iran's policy toward the Caucasus and Central Asia, *Central Asia-Caucasus Institute*, 17 (1), 1-8.
- Shafiee, N.; & Faraji Nasri, Sh. (2014). Political-Security Arrangements in South Asia and Its Impact on the National Security of the Islamic Republic of Iran, *Policy Research*, 1(1), 9-31(in Persian).
- Shapoori, M.; Mousavi Shafaei, M., & Soltaniehnejad, A. (2017). Relationship between Security and Development; Foreign Policy Requirements, *Strategic Studies*, 20(2), 7-31(in Persian).
- Shokoohi, S.; Hajiabadi, M. (2019). Failure of Geopolitical and Geo-Cultural Commonalities to Integrate Iran and Central Asian Countries, *Geopolitics Quarterly*, 14 (4), 149-164.
- Wastnidge, E. (2017). Central Asia in the Iranian geopolitical imagination, *Cambridge Journal of Eurasian Studies*, 41 (1), 1-14.
- Yazdanfam, M. (2009). Fragile Governments and Human Security, *Strategic Studies*, (46), 5-36(in Persian).
- Ziba Kalam, S.;Gudarzi, M. (2013). Foreign policy of Iran and Turkey in Central Asia (feasibility assessment of strategic relations between the two countries based on a comparative model), *International relations studies*, 21 (1), 165-195(in Persian).